

سردرگمی ملت و صلح وارداتی

آنچه که ملتی به اسارت درآمده ما را خسته و درمانده می کند سردرگمی شان از پیچیده گی اوضاع نا به سامان جاری کشور نیست که مانند کوه های سنگین رو برو شان میخ کوب شده اند. بلکه ریگ های است که درون کفش های نخبگان و رهبران شان جا گرفته است.

نخبگان و رهبران که چون موم در دست اجنبی ها، اب می شوند و به اشاره انگشت انها جنگ و خانه ویرانی را چون بازیچه اطفال، روزانه تکرار می کنند و مانند دانه های شطرنج روی نردبان، گاه سمت شمال و گاه به جنوب در حرکت اند. اختیار و اراده ملت را سال هاست در دست اجنبی ها گذاشته اند.

امریکا نژده سال قبل در راس نیرو های ناتو به بهانه حفظ امنیت اش، افغانستان را در اشغال درآورد. جای پا خرس قطبی و توله سگ پنجابی را سم خریانکی ها پر ساخت. یانکی ها بلیارد ها دالر را برای فروزان نگاهداشتن جنگ ضد تروریسم به جیب نوکرانش در هر دو طرف منازعه ریخت تا خون ریزی و آتش جنگ را در کشورما روشن نگاه دارد. جنگی که ملت ما تلفات جانی و مالی بیشتر را طی این مدت متقبل شده اند.

امریکا پایگاه های نظامی و اطلاعاتی را طی این مدت به اهداف محاصره چین و روسیه و نظارت به کشورهای اقیانوس اطلس و جمع اوری اطلاعات از رژیم اسلامی ایران، حمله مستقیم به عراق و ویرانی انکشور، ایجاد کرد. پلان نابودی رژیم های کشورهای عربی و تخریب مدنیت هزارساله منطقه را که سالها قبل طرح نموده بود، توسط سیا عملی کرد.

یانکی ها به اهداف که می خواستند رسیدند و حالا که واقعا از این جنگ شکست خورده و خسته شده می خواهد با حفظ ماموران اطلاعاتی خود در صورت به توافق رسیدن در نشست امریکا - طالبان در دوحه قطر، که جانب طالبان تضمین کنند که دیگر امنیت امریکا از افغانستان تهدید نه می شود عساکرش را از افغانستان خارج خواهد کرد؟! و با کشیدن بخشی از نیرو هایش طالبان را برسمیت خواهد شناخت.

گویند هر گاه حریف از رقیب خود عقب مانند شرم است. دولت روسیه با رژیم اخوند ها ایران نیز از قافله صلح سازی عقب ماندند و زیر نام پروژه ماسکو - با طالبان (بخوان نوکران ای، اس، ای و قوماندان های خلیان)، که زمانی امارت اسلامی شان را دشمن امنیت سرحدات جنوبی و غربی شان می پنداشتند، نشست های عربان و پنهان داشتند و با وعده امارت و با دیکته حکومت عبوری و تغییر قانون اساسی به اصول شرعی و اسلامی این پروژه را وسعت بزرگتر داده و به اصطلاح با ابتکار افغان های مقیم روسیه، از سران بعضی احزاب و نیروهای سیاسی و جهادیون سابق و حتی خلقی ها و پرچمی ها دعوت کردند تا در نشست بین الافغانی طرح روسی - ایرانی - طالبان را به مشوره گیرند و با لای ان به تفاهم و توافق برسند. آیا روسها با این پروژه پشت حریف اش را بر زمین خواهد زد؟ آیا بار دیگر روسها بر سر نوشت ملت ما در لباس دیگری حاکم خواهد شد؟

نیروی دیگری که کمبود اش در شرایط فعلی احساس می شود و جایگاه اش در نشست های سر نوشت ساز ملت ما خالی است، نیرو های واقعن ملی و دموکرات با افکار مترقی است که از پشتیبانی توده ها برخوردار اند اما تا هنوز نتوانسته اند خود را بمثابه یک نیروی بالقوه و بالفعل در جامعه تبدیل کنند. آیا این خلا پر خواهد شد؟

ابر قدرت ها برای حفظ امنیت شان در وسط اسیا به آوردن یک آرامش به تفاهم خواهند رسید و صلح وارداتی شانرا روی دست خوان هفت میوه نوروزی ملت ما خواهند چید و خفاشان شب پرست را با کرگسان و لاش خوران زیر چتر دولت موقت و نظام اسلامی فراگیر و ... بالا جسد خون الود شان گرد خواهد آورد. مردم از حاکم شدن دوباره انفجاریون، انتحاریون و دره بدستان طالب با ترس و دلهره از آینده تاریک تر شان نگران اند.

ملت ما چه زمانی از این سردرگمی و ترس نجات خواهند یافت و اختیار سر نوشت و حیات سیاسی خود را بدست خواهند گرفت و درب فصل شگفتن را در سبزهستان بهار رویا های شان خواهند گشود؟

زمانی که نیروی های ملی و دموکرات اصیل پراکنده، با افکار مخدوش از خواب غفلت بیدار شوند و به تشکل ارگان نیرومند و بالقوه که در شرایط کنونی اشد ضرورت است اقدام کنند و نیروی الترناتیف قوی را در مقابل نیروهای جهل ستیز و سپاه کار بیرون دهند.

وظیفه ملی گرایان و دموکرات های مردمی است که با ارزیابی دقیق و علمی از وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جاری کشور طرح واحد و سازنده را برنامه ریزی کرده و در تشکل ارگان ملی و دموکرات هرچه سریع تر وارد عمل شوند.